



انکار قتل مرد معتاد

■ **محبوبه قربانی**

مرد جوانی که متهم است دوست معتادش را به خاطر سرقت دستگاره فرزندشکاری یا ضربات میله آهنی به قتل رسانده است، در دادگاه جرمش را انکار کرد. این در حالی است که دو همدشش گواهی داده‌اند وی قاتل است.

یکی از روزهای پاییزی سال ۹۹، مأموران پلیس پاکدشت از کشف جسدی در حاشیه شهر باخرو به محل اعزام شدند. با حضور مأموران در محل بررسی‌های اولیه نشان می‌داد جسد مردی میانسال که دست و پاهایش با چسب بسته شده است بر اثر ضربات جسم سخت به سر و بدنش در مکان دیگری کشته و سپس به این مکان منتقل شده است.

جسد برای انجام آزمایش‌های لازم و شناسایی هویت به دستور بازپرس ویژه قتل به پزشکی قانونی منتقل شد و چند روز بعد هم عوامل تشخیص هویت اعلام کردند جسد متعلق به مرد ۵۷ساله‌ای به نام غلام است. تحقیقات برای شناسایی عامل یا عاملان حادثه در جریان بود تا اینکه مشخص شد غلام آخرین بار با مرد جوانی به نام اردلان قرار ملاقات داشته است. به این ترتیب اردلان به عنوان اولین مظنون تحت تعقیب قرار گرفت و چند روز بعد شناسایی و بازداشت شد. او در پلیس اگاهی تحت بازجویی قرار گرفت و مدعی شد از ماجرای قتل غلام اطلاعی ندارد.

■ **دستگیری متهمان**

مأموران این‌بار با شناسایی همدستان قاتل، آنها را بازداشت و مورد تحقیق قرار دادند تا اینکه دو نفر از آنها به نام‌های اردشیر و رضا به قتل یا همدستی اردلان اقرار کردند. رضا در توضیح ماجرا گفت: «غلام معتاد به مواد مخدر بود و او را از قبل می‌شناختم. اردلان هم کارگاه تولیدی داشت و به تازگی دستگاره فرزند برای برشکاری خریده بود. روزی اردلان را دیدیم که می‌گفت دستگاره فرزند سرقت شده و به غلام مشکوک است. قرار شد به بهانه‌ای غلام را به مکانی بکشانیم و از غلام سرقت بگیریم.»

متهم در ادامه گفت: «روز حادثه اردلان به بهانه مصرف مواد غلام را به باغی در پاکدشت دعوت کرد. من و اردشیر هم آنجا بودیم. وقتی غلام وارد باغ شد اردلان بساط مصرف مواد را آماده کرد و همگی مواد کشیدیم. همانجا بساط یا بساط دراز کشیده بودیم و هیچ کدام حال طبیعی نداشتیم و غلام هم در حال خودش نبود. در آن شرایط اردلان رو به غلام کرد و دربار هم شدن دستگاره فرزند از سؤال کرد. غلام رفتی برای جواب دادن نداشت. اردلان دوباره سؤال کرد که غلام هم گفت آن را برداشته و به یکی از دوستانش فروخته است. اردلان بعد از شنیدن این حرف از کوره در رفت و گفت دستگاره را به سختی خریده‌ام و شروع به داد و فریاد کرد و گفت می‌کنمت. غلام از ترس از جا پرید و می‌خواست فرار کند که اردلان از شدت عصبانیت دست و پای او را گرفت و با چسب محکم بست، سپس او را از سقف آویزان کرد. بعد خودش به تنهایی یک میله آهنی برداشت و به شدت او را کتک زد. غلام از شدت ضربات بیهوش شد. وقتی صدای اردلان قطع شد، اردلان، من و اردشیر را صدا کرد و کمک خواست تا جسد را پایین بیاوریم. اردلان خیلی عصبانی بود، به همین خاطر از ترس اینکه ما را نکشد جسد را پایین آوردیم و پشت وانت اردلان گذاشتیم. بعد از ساعتی همگی سوار وانت شدیم و جسد غلام را در بیابان‌های پاکدشت راهی کردیم.»

با تأیید این اظهارات از سوسی یکی از متهمان اردلان بار دیگر تحت بازجویی قرار گرفت، اما دوباره منکر قتل شد. با انکار مرد جوان، بنا به گواهی شاهدان حادثه و شواهد و قرائن موجود، اردلان به اتهام قتل عمد و اردشیر و رضا به اتهام معاونت در قتل راهی زندان شدند. پرونده با صدور کیفرخواست به دادگاه کیفری یک استان تهران فرستاده شد و به تعیین شعبه در اولین جلسه محاکمه‌رومی میز هیئت قضایی شعبه دوم دادگاه قرار گرفت.

■ **جلسه محاکمه**

با اعلام رسمیت جلسه از سوی قاضی رضایی، دختران مقتول یک به یک به جایگاه رفتند و درخواست قصاص کردند. در ادامه متهم ردیف اول به اتهام قتل عمد در جایگاه ایستاد و با انکار جرمش گفت: «غلام را می‌شناختم. او معتاد بود و پولی برای خرید مواد نداشت. وقتی دستگاره فرزند کارگاه ناپدید شد، حسد زدم کار او باشد، چون غلام ساعتی قبل از سرقت دستگاره پیش من بود. فردای آن روز وقتی او را دیدم و در مورد دستگاره پرسیدم، مدعی شد اطلاعی ندارد. معلوم بود دروغ می‌گوید. اهمیتی ندادم و رفتم. بعد از آن دیگر غلام را ندیدم تا خبر فوتش را شنیدم. باور کنید او را نکشتم‌ام و قتل کار من نبود. نمی‌دانم چه کسی یا کسانی او را چه انگیزه‌ای به قتل رسانده‌اند.»

متهم در آخر گفت: «حالا به خاطر پیدا شدن ششمن ایستادند و گفتند اردلان قاتل است و او دروغ می‌گوید. آنها بار دیگر اظهارات خود را در دادسرا مطرح کردند و گفتند: «ما در قتل نقشی نداشتیم. وقتی اردلان مشغول زدن ضربات به مقتول بود هر چه داد زیم تا او از آن کار دست بکشد، انگار صدای ما را نمی‌شنید. ما با چشم‌مان دیدیم اردلان به تنهایی آن ضربات سخت را به مقتول زد. ماقظ در حمل جسد به او کمک کردیم.»

در پایان هیئت قضایی جهت صدور رای وارد شور شد.



■ **آرمن بینا**

کارخانه‌دار کینه‌جو که از خوشبختی زن و مرد همسایه به ستوه آمده بود، تلاش کرد با دستبرد به خانه او بین آنها اختلاف بیندازد که با بررسی فیلم‌های دوربین مخفی گرفتار شد.

چندی قبل مرد تاجری در تهران به اداره پلیس رفت و از سارق یا سارقانی به اتهام سرقت میلیاردری از خانه‌اش شکایت کرد. شاکی در توضیح ماجرا گفت: «وضع مالی خوبی دارم و چند سالی است در کار واردات و صادرات فعالیت می‌کنم و برای انجام سفارش خرید و فروش به کشورهای زیادی می‌روم. چند روز قبل همراه همسرم به یکی از کشورهای همسایه رفتم و ساعتی قبل وقتی به خانه برگشتم، متوجه شدیم سارق یا سارقانی به خانام دستبرد زده‌اند، چون تمامی وسایل خانه بهم ریخته بود. با دیدن این صحنه بلافاصله به سراغ گاو صندوق رفتم و در کمال ناباوری دیدیم در گاو صندوق باز است و همه طلاها و پول‌های کار خجی که حدود یک میلیارد تومان ارزش داشت، سرقت شده است.»

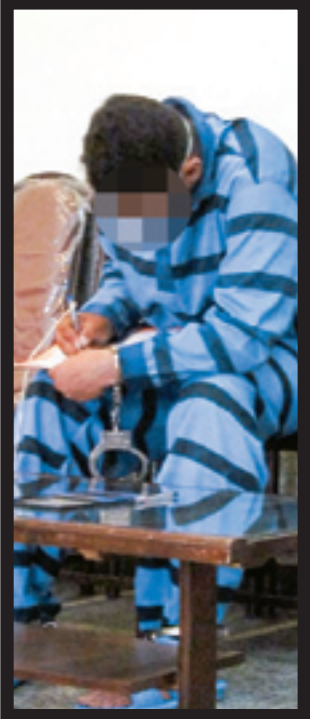
با طرح این شکایت، پرونده به دستور بازپرس شعبه هفتم دادسرای ویژه سرقت در اختیار تیم زنده‌ای از کارآگاهان پلیس آگاهی قرار گرفت.

■ **سارق آشنا**

بررسی‌های فنی مأموران پلیس در محل حادثه نشان داد سارق بدون تخریب در و قفل آن وارد خانه مرد تاجر شده و این نشان می‌داد که متهم به احتمال زیاد کلید یک خانه را داشته است یا اینکه سارق حرفه‌ای بوده و با شاه کلید و بدون تخریب قفل در را باز کرده و همسر شام خانه آنها دعوت بودیم. احتمال می‌دهم که یکی از اعضای آن خانواده برای اینکه ردپایی از خود به جا بگذارد از محل گرمیخته است.

مأموران پلیس در گام بعدی فیلم دوربین‌های مداربسته ساختمان مسکونی را مورد بازبینی قرار دادند، اما دوربین‌ها در شبی که سرقت از خانه مرد تاجر رخ داده بود ورود و خروج فرد غریبه با مشکوکی را ضبط نکرده بودند و این موضوع حکایت از آن داشت سارق به احتمال زیاد فرد آشنایی بوده یا اینکه یکی از ساکنان ساختمان است.

مأموران پس از این تحقیقات خود را روی



■ **فاطمه مصور**
نگهبان ساختمان نیمه کاره‌ای که در دگریری یکی از کارگران را به قتل رسانده‌بود به زودی در دادگاه کیفری یک استان تهران محاکمه می‌شود. اولیای دم برای اعلام درخواست قصاص داده‌اند.

شهریور ماه سال ۱۴۰۰، مردی با اداره پلیس پایتخت تماس گرفت و مأموران را از کشف جسد مرد میانسالی در اتاقک نگهبانی ساختمان نیمه‌کاره در جنوب شهر باخیر کرد. او در توضیح به مأموران گفت: «در یکی از محله‌های جنوب شهر ساختمان مسکونی در حال ساخت دارم. از آنجایی که وسایل زیادی داخل ساختمان بود، مدتی قبل پسر جوانی را به نام قاسم به عنوان نگهبان استخدام کردم و او هم در اتاقک نگهبانی که برایش ساخته بودم، زندگی می‌کرد. امروز برای سرکشی به آنجا رفتم، متوجه شدم قاسم در اتاقک نیست. هر چندر صدایش زدم، جوابی نشنیدم و به همین دلیل داخل ساختمان برای پیدا کردنش شروع به جست‌وجو کردم تا

محوالات

سرورس حوادث ۸۸۹۸۹۳۵

دوربین مخفی راز سرقت‌های همسایه را برملا کرد



همسایه‌ها افراد پولداری بودند و نیازی به سرقت نداشتند.
■ **دوربین مخفی**
در حالی که بررسی‌های پلیسی حکایت از آن داشت سارق یکی از ساکنان ساختمان است، شاکی اعلام کرد به یکی از همسایه‌ها مشکوک است. وی گفت: «من و همسرم فقط با یکی از همسایه‌ها که مرد کارخانه‌داری است، رفت و آمد داریم. چند باری آنها میهمان ما بودند و چند باری هم من و همسر شام خانه آنها دعوت بودیم. احتمال می‌دهم که یکی از اعضای آن خانواده برای سرقت به صورت مخفیانه از کلید خانه ما یکد ساخته باشد.»

بدین ترتیب تحقیقات درباره این حادثه ادامه داشت و مأموران پلیس هم موفق به پیدا

کردن ردپای سارق نشده بودند که شاکی دوباره به اداره پلیس رفت و این‌بار سارق خانه‌اش را به مأموران معرفی کرد.

وی گفت: «من به مرد کارخانه‌دار مشکوک بودم، اما می‌دانستم نمی‌توانم ردی از او در سرقت پیدا کنم. به همین خاطر تصمیم گرفتم دوربین مخفی در خانه‌ام نصب کنم تا از طریق تلفن همراهم خانه را از دور کنترل کنم. شب قبل برای فریب او به سراغ همسایه‌مان رفتم و به او گفتم من و همسر تصمیم داریم چند روزی به مسافرت

دوربین مخفی

در زندگی‌ام با مشکلات خانوادگی زیادی روبه‌رو هستم و با این سرقت می‌خواستم زندگی شیرین مرد همسایه را مثل زندگی خودم تلخ کنم.»

■ **حسادت**

وی ادامه داد: «مدتی بود با همسرم اختلاف پیدا کرده بودم. ما مشکل مالی نداشتیم، اما مشکل تفاهم داشتیم، به همین دلیل همیشه با هم مشاجره لفظی می‌کردیم. به هر حال زندگی ما تلخ شده بود و همسرم همیشه به من سرکوفت می‌زد که زن همسایه زندگی خوبی با شوهرش دارد و با اینکه وضع مالی‌شان از ما پایین‌تر است همیشه به مسافرت می‌روند و خوشگذرانی می‌کنند. او می‌گفت من لیاقت خوشبختی را ندارم. همسرم آنقدر مرا تحقیر کرد که من از خوشبختی زن و شوهر همسایه به ستوه امدم و تصمیم گرفتم هر طوری شده زندگی آنها را مثل زندگی خودم تلخ کنم تا همسرم اینقدر به من سرکوفت زندگی آنها را نزند. سرانجام تصمیم گرفتم طلاهای زن همسایه را سرقت کنم و بین او و شوهرش اختلاف بیندازم. شبی که میهمان خانه آنها بودیم به صورت مخفیانه یکی از دسته‌کلیدهای آنها را برداشتم و بعد از اینکه از روی آن یک ساختم دوباره در میهمانی دیگری به مکان قبلی‌اش برگرداندم. مترصد فرصت مناسب برای سرقت بودم تا اینکه می‌رود، چون به دروغ گفتم مقداری طلا و جواهر در خانه دارم. مدام از طریق دوربین مداربسته‌ای که به گوش‌ام وصل بود، خانمام را تحت نظر داشتمم تا اینکه دیدم نیمه شب مرد کارخانه‌دار با کلید در خانه‌ام را باز کرد و به سراغ گاو صندوق رفت. من کلید گاو صندوق را عوض کرده بودم و او با کلیدی که از اعضای آن خانواده برای نتوانست در گاو صندوق را باز کند و بعد هم ناامید از خانه بیرون رفت. الان از او به اتهام سرقت میلیاردری از خانمام شکایت دارم.»

برویم و از او خواستم مراقب خانه ما باشم. ما خداحافظی کردیم، اما به جای مسافرت به

هتلی رفتم و شب را در آنجا ماندیم. من می‌دانستم او دستور بازپرس برنده، متهم را که پلیس به نام احسان بود بازداشت و به اداره پلیس منتقل کرد. وی در بازجویی‌های اولیه جرمش را انکار کرد، سرقت پیدا کند. به همین خاطر تصمیم گرفتم دوربین مخفی در خانه‌ام نصب کنم و او را از سرقت مطلع کنم. وقتی وارد خانه‌اش شدم، اما در سرقت دوم موفق به باز کردن در گاو صندوق نشدم، چون شاکی

■ **زیرکی شاکی**

وی در پایان گفت: «هن فکر می‌کردم نقشه سرقتم مو لای درزش نمی‌رود و خاطر جمع بودم که گرفتار نمی‌شوم، اما خبر نداشتم شاکی مرد زیرکی است و با نصب دوربین

مداربسته مخفی مرا به دام می‌اندازد. بار دوم وقتی مرد همسایه گفت قصد مسافرت دارد دوباره تصمیم به سرقت گرفتم و با کلید یک وارد خانه‌اش شدم، اما در سرقت دوم موفق به باز کردن در گاو صندوق نشدم، چون شاکی کلید آن را عوض کرده بود.»

متهم برای ادامه تحقیقات در اختیار مأموران پلیس قرار گرفت.

نگهبان قاتل به میز محاکمه رسید

اینکه در گوشه‌ای از ساختمان با جسد یکی از کارگران به نام نادر روبه‌رو شدم که بی‌نفس روی زمین افتاده‌بود. در حالی که شوکه شده‌بودم، بلند بلند قاسم را صدا زدم، اما باز هم جوابی نشنیدم. وقتی همه ساختمان را گشتم متوجه شدم از او خبری نیست. احتمال می‌دهم او نادر را به قتل رسانده و الان هم فرار کرده‌است.»

بعد از این تماس، مأموران به ساختمان نیمه‌کاره رفتند و با جسد نادر ۶۵ساله روبه‌رو شدند که بر اثر ضربه میله آهنی به سرش کشته شده‌بود. با انتقال جسد به پزشکی قانونی قاسم تحت تعقیب قرار گرفت تا اینکه چند روز بعد شناسایی و بازداشت شد. مرد جوان تحت بازجویی قرار گرفت و به قتل همکارش اعتراف کرد و در شرح ماجرا گفت: «چهار ماه قبل در ساختمان مشغول کار شدم. نادر نیز در آن ساختمان کار می‌کرد که با او آشنا شدم. من زودی مقابل هیئت قضایی شعبه دوم دادگاه هم کار می‌کردیم، اما شب حادثه درگیری بین ما رخ داد. آن شب سرسرو موضوعی از او ناراحت شدم، به همین خاطر از او خواستم از اتاقک نگهبانی

منتقل نشده‌است. در حالی که سرنوشت جسد مرد میانسال در هاله‌ای از ابهام قرار داشت بازپرس اعضای خانواده وی را به بازسرا احضار و از آنها در مورد جسد پدرشان تحقیق کرد.

■ **ادعای عجیب**
یکی از اعضای خانواده قنبر در تحقیقات در ادعایی گفت: «ما با یکی از خیابان‌های منطقه پاسگاه نعمت‌آباد زندگی می‌کنیم و در آنجا ما بین همسایه و بستگان با آبرو زندگی کرده‌ایم. پدرم مرد خوبی بود و برای زندگی تلاش می‌کرد. روز حادثه پدرم در خانه بود، اما ما بیرون بودیم و وقتی وارد خانه شدیم، از پدرمان خبری نبود تا اینکه در یکی از اتاق‌ها با جسد حلق‌آویز او روبه‌رو شدیم، او خودش را با طنابی

به میله‌ای آویزان کرده‌بود. با دیدن این صحنه به

شدت شوکه شده بودیم و خیلی سریع او را پایین آوردیم، اما متأسفانه متوجه شدیم او نفس ندارد

و فوت کرده‌است. پس از این با اورژانس هم تماس گرفتیم و عوامل اورژانس مرگ پدرم را اعلام کردند و به پلیس هم خبر دادند. وقتی متوجه شدیم بازپرس دستور داده‌است جسد برای انجام آزمایش‌های لازم به پزشکی قانونی منتقل شده، از ترس اینکه آبرویمان پیش همسایه‌ها و بستگانمان نرود، با یکی از پزشکان معتمدمان مشورت کردیم و قرار شد او جواز دفن پدرم را صادر کند تا کسی متوجه خودکشی پدرم نشود و او را با احترام دفن کنیم. به هر حال پزشک معتمد جواز دفن را صادر کرد و ما هم جواز دفن را



سرقت مرگبار زعفران

دو سارق سابقه‌دار که مرد جوانی را در شهر مشهدریزه شهرستان تایباد استان خراسان رضوی به خاطر سرقت زعفران به قتل رسانده بودند در دام مأموران پلیس گرفتار شدند. به گزارش جوان، روز شنبه ۲۱آبان‌ماه امسال به مأموران پلیس شهر مشهدریزه از توابع شهرستان تایباد در استان خراسان رضوی خبر رسید مرد جوانی در خانه‌اش به طرز مشکوکی به قتل رسیده است.

مأموران پلیس در محل حادثه با جسد مرد ۲۵ساله‌ای روبه‌رو شدند که با شلیک دو گلوله به قتل رسیده بود.

گفته‌های اعضای خانواده مقتول نشان داد عاملان قتل دو مرد هستند که برای سرقت زعفران به خانه آنها رفته‌اند و با شلیک دو گلوله پدرشان را به قتل رسانده‌اند. از سوی دیگر در بررسی‌های محل حادثه مشخص شد عاملان قتل وقتی برای سرقت وارد خانه مقتول می‌شوند پس از شکستن شیشه در ورودی با مقتول روبه‌رو می‌شوند و او را با شلیک دو گلوله به قتل می‌رسانند و از محل فرار می‌کنند.

بدین ترتیب عاملان قتل تحت تعقیب پلیس قرار گرفتند تا اینکه مأموران پلیس در یافتند متهمان از سارقان سابقه‌دار هستند و پس از حادثه به شهر باخزر استان خراسان رضوی گریخته‌اند و زندگی مخفیانه‌ای را شروع می‌کنند.

با به دست آمدن این اطلاعات، مأموران راهی مخفیگاه متهمان شدند و آنها را بازداشت و به اداره پلیس منتقل کردند. مأموران در بازرسی از مخفیگاه عاملان قتل سلاح گرم و فشنگ، ادوات کشاورزی و موتورسیکلت سرقتی کشف کردند.

سرنهنگ امیر امیراحمدی، فرمانده انتظامی شهرستان تایباد با اعلام این خبر گفت: متهمان در بازجویی‌ها به قتل با انگیزه سرقت زعفران اعتراف کرده‌اند. عاملان قتل همچنین در بازجویی‌های فنی به سرقت‌های متعددی همچون سرقت میم‌بنزین مشهدریزه در سال ۹۵، سرقت موتورسیکلت و ادوات کشاورزی، سیم کابل و موارد دیگری اعتراف کرده‌اند.

متهمان پس از تکمیل پرونده برای تحقیقات بیشتر در اختیار مقام قضایی قرار گرفتند.

عاملان قتل رئیس کانون کارشناسان

دادگستری خراسان رضوی به دام افتادند

چهار مردی که به خاطر اختلاف شخصی، رئیس کانون کارشناسان دادگستری خراسان رضوی را با شلیک گلوله به قتل رسانده بودند، در دام پلیس گرفتار شدند.

به گزارش «جوان»، اواخر آبان ماه امسال، مأموران پلیس شهرستان مشهد از قتل مردی در یکی از خیابان‌های شهر با خبر و راهی محل شدند. مأموران پلیس در محل حادثه با جسد مردی کنار خودرواش روبه‌رو شدند که با شلیک گلوله به قتل رسیده‌بود. تحقیقات مأموران نشان داد مقتول، رئیس کانون کارشناسان دادگستری خراسان رضوی است که از سوی افراد ناشناسی به قتل رسیده‌است. بررسی‌های بعدی در محل حادثه حکایت از آن داشت مقتول در حال زندگی بوده که متوجه نقص فنی خودرواش می‌شود و پس از اینکه خودرو را متوقف می‌کند و از آن پیاده می‌شود، هدف گلوله افراد ناشناسی قرار می‌گیرد و به قتل می‌رسد.

سردار ابراهیم قربان‌زاده جانشین فرمانده انتظامی خراسان رضوی با اعلام اینکه در این حادثه چهار متهم بازداشت شده‌اند، گفت: پس از اعلام این خبر تیم زنده‌ای از کارآگاهان پلیس آگاهی برای شناسایی عاملان قتل وارد عمل شدند. مأموران چند روز قبل پس از تحقیقات میدانی و بررسی‌های اطلاعاتی موفق شدند چهار مردی را که در قتل رئیس کارشناسان دادگستری دست داشتند، شناسایی و بازداشت کنند. وی در پایان گفت: دو نفر از متهمان در بازجویی‌ها به قتل با انگیزه اختلاف شخصی اعتراف کردند. تحقیقات از متهمان به دستور مقام قضایی ادامه دارد.

تبانی با پزشک معتمد برای پنهان کردن راز مرگ

برای مأموران پلیس نشان دادیم و جسد را تحویل گرفتیم و در بهشت زهرا دفن کردیم. پس از این هم مراسم سوگوری برای پدرم گرفتیم و به هیچ کسی هم اعلام نکردیم پدرم خودکشی کرده‌است و ادعا کردیم او سکنه کرده‌است. ما فقط می‌خواستیم باین شیوه آبروی خانواده‌مان را حفظ کنیم و خبر نداشتیم دستور داده‌است جسد برای انجام آزمایش‌های لازم پس از تحقیق از اعضای خانواده، بازپرس جنایی دستور احضار پزشک معتمد خانواده مرد فوت شده را برای بازجویی صادر کرد. همچنین وی به مأموران پلیس دستور داد تحقیقات خود را درباره این حادثه برای بر ملا شدن زوایای پنهان احتمالی آن ادامه دهند.

به میله‌ای آویزان کرده‌بود. با دیدن این صحنه به شدت شوکه شده بودیم و خیلی سریع او را پایین آوردیم، اما متأسفانه متوجه شدیم او نفس ندارد و فوت کرده‌است. پس از این با اورژانس هم تماس گرفتیم و عوامل اورژانس مرگ پدرم را اعلام کردند و به پلیس هم خبر دادند. وقتی متوجه شدیم بازپرس دستور داده‌است جسد برای انجام آزمایش‌های لازم به پزشکی قانونی منتقل شده، از ترس اینکه آبرویمان پیش همسایه‌ها و بستگانمان نرود، با یکی از پزشکان معتمدمان مشورت کردیم و قرار شد او جواز دفن پدرم را صادر کند تا کسی متوجه خودکشی پدرم نشود و او را با احترام دفن کنیم. به هر حال پزشک معتمد جواز دفن را صادر کرد و ما هم جواز دفن را

منتقل نشده‌است. در حالی که سرنوشت جسد مرد میانسال در هاله‌ای از ابهام قرار داشت بازپرس اعضای خانواده وی را به بازسرا احضار و از آنها در مورد جسد پدرشان تحقیق کرد.
■ **سرنوشت مبهم جسد**
چهار ماه از مرگ مرزومرد میانسال گذشته بود که بازپرس جنایی در بررسی پرونده‌ها متوجه شد پزشکی قانونی هنوز علت اصلی مرگ وی را به دادسرا اعلام نکرده‌است. بدین ترتیب بازپرس از پزشکی قانونی استعلام گرفت و دستور داد علت تأخیر نتیجه آزمایشات در خصوص مرگ قنبر را اعلام کنند. پس از درخواست قاضی پرونده پزشکی قانونی اعلام کرد از سرنوشت جسد قنبر خبری ندارد، چون روز حادثه اصلاً جسدی با این مشخصات به پزشکی قانونی

و قرار شد طبق یکی از بندهای چهارگانه جسد برای انجام آزمایش‌های لازم و مشخص شدن علت اصلی مرگ به پزشکی قانونی فرستاده شود.

■ **سرنوشت مبهم جسد**

چهار ماه از مرگ مرزومرد میانسال گذشته بود که بازپرس جنایی در بررسی پرونده‌ها متوجه شد پزشکی قانونی هنوز علت اصلی مرگ وی را به دادسرا اعلام نکرده‌است. بدین ترتیب بازپرس از پزشکی قانونی استعلام گرفت و دستور داد علت تأخیر نتیجه آزمایشات در خصوص مرگ قنبر را اعلام کنند. پس از درخواست قاضی پرونده پزشکی قانونی اعلام کرد از سرنوشت جسد قنبر خبری ندارد، چون روز حادثه اصلاً جسدی با این مشخصات به پزشکی قانونی